

متن پرسش

بسمه تعالی. سلام علیکم استاد عزیز: متأسفانه رئیس جمهور و یارانشان را از دست دادیم ولی نمی‌خواهم از این بعد باب صحبت‌م را باز کنم. می‌خواهم بگویم: این نوع شهادت ظاهراً چند نوع حضور خاص برای انقلاب به وجود آورد: ۱. حضور در دولت اصیل انقلابی که دولت رجایی و خامنه‌ای ابتدای انقلاب را پیوند داد به نسل فعلی و نسل فعلی فهمیدند و یافتند که آن جنس انقلابی‌گری که صحبت می‌کردند یعنی چه. ۲. حضور خود انقلاب در دولت اسلامی، گویا ابتدای دولت اسلامی در انقلابی که به قله رسیده، دولت آقای رئیسی بود. شهادت این چند نفر هم گویا با آن ترکیب خاص (رئیس جمهور، وزیر امور خارجه، استاندار، محافظ، امام جمعه و خلبانان) مقصودی بود که خداوند می‌خواست به ما برساند، که دولت اسلامی اینگونه است، نمی‌نشیند پشت میز بلکه با ترکیبی نورانی سفر می‌کند، برای مردم می‌دود، خاکی می‌شود، خسته می‌شود، حتی غذا نمی‌خورد! برای مردم ... آن مردمی که در ادبیات مقام معظم رهبری، رضایت آن مردم رضایت الله است. ۳. حضور انقلاب در موقعیتی جهانی، که کشورها و مسئولین متعددی ابراز ارادت کنند! ۴. حضور مردم، در موقعیتی که حس کنند: اگر بدی گفتند و یا بدی ای کردند، بیایند در تشییع آن عزیزان عذرخواهی کنند ... و موارد دیگر. می‌خواستم بپرسم: اینها حکایت از چیست؟ ما چه چیزی از دست دادیم و چه چیزهایی بدست آوردیم؟ و وظیفه ما در قبال اینها چیست؟ ممنون می‌شوم اگر توضیحی بفرمایید. یا علی

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: آری ای رفیق! اینها همه و بیش از اینها، حکایت حضور در تاریخی است که خداوند اراده کرده با نور وجود انسان‌هایی بزرگ و معنوی از یک طرف، حجاب غلیظترین ظلمات استکبار آخرالزمانی را دفع نماید؛ و از طرف دیگر، زمینه ظهور انسان کامل و انسان‌های متعالی آخرالزمانی را فراهم کند و در یک کلمه آری! شهید رئیسی به خوبی معنای خود را در انقلاب اسلامی درک کرد تا در جهان سیاستی که با انقلاب اسلامی گشوده شد، راه گم نشود و متوجه باشیم به کجا باید دل ببندیم. آیا حکایت سخن رهبر معظم انقلاب در تأکید ایشان نسبت به «ایمان» و «امید»؛ حکایت آنانی نیست که همچون شهید رئیسی بزرگ معنای حضور در انقلاب را فهمیدند؟ و حکایت باز رئیسی در ادامه این تاریخ از او به گوش نمی‌رسد؟! موفق باشید